

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

مهرنوش موسوی

۲۶.۰۶.۰۹

بازخوانی نقاط قوت و کلیدی قیامهای شهری انقلاب اخیر!

(قسمت اول)

بازخوانی قیام های شهری انقلاب اخیر هنوز در یک سطح عمیق و از زوایای مالتی پرسپکتیو امکانپذیر نیست، چون راههای زمین و هوا را برای انتقال تجربه و اطلاعات این مبارزه بسته اند. به باور من کلیههایی که اکنون روی سایتها قرار میگیرد، فقط و تنها گوشه هایی از یک واقعیت بسیار عظیم تر سیاسی و اجتماعی را که در حال جریان است به نمایش میگذارد. اجازه بدهید به مهمترین نقاط قوت این قیامهای مهم و پیچیده شهری بپردازیم.

۱. مقابله با سرکوب رسانه ئی این خیزش انقلابی!

رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی برای مقابله با مردم کلیه راههای ارتباطی، اعم از اینترنت، تلفن های شهری، تلفنهای همراه، اس ام اس و ماهواره، روزنامه ها و حتی دفاتر خبرگزاریهای رسمی دولتی رسانه های خارج را در این مدت بسته است. خبرگزاریهای خود جمهوری اسلامی که وضعیتشان روشن است. در میان خبرگزاریهای خارجی نیز، نه بی بی سی، سی ان ان، حتی الجزیره و بقیه رسانه های خبری دنیا هیچکدام امکان خبررسانی در باره مبارزه مردم ایران را ندارند. ارتباطات خود مردم نیز زیر ضرب قرار گرفته و به طور گسترده ای قطع شده است. در جهان گلوبال امروز، این اصلیتترین و کلیدیترین اصل در استراتژی امنیتی و مقابله با قیام ها و خیزشهای انقلابی از سوی دولتهای فاشیستی چون رژیم اسلامی میباشد. "قطع ارتباط" مهمترین حلقه ستراتیژی سرکوب است. خواه در سطح جغرافیای کشوری و یا به ویژه بین المللی. الان دیگر بستن راههای ارتباط مردم با جهان، همان خاصیتی را در سیاست سرکوب رژیمهای دیکتاتوری دارد که آوردن توپ و تانک و نیروهای ارتش در ۴۰ سال پیش داشت. شاید حتی به مراتب بیشتر از آن! لذا به باور من با تجربه خیزش انقلابی اخیر میتوان فهمید که هر نوع انقلاب رهائی بخش و آزادیخواهانه ای که اکنون در کشورهای دیکتاتوری اتفاق بیفتد، اولین مشکلی را که باید حل کند، شکستن این محاصره امنیتی الکترونیکی جهت مقابله با سرکوب است. این مشکل را خیزش انقلابی اخیر نه فقط حل کرده است، بل برای اولین بار در جهان موجود، مردم ایران یک الگو و مقیاس جدید، یک ارزش رسانه ئی جدید، یک سقف جدید را در آن طرف مرزهای رسانه ئی بورژوائی ایجاد و تثبیت کردند. الان منبع و مرکز رسانه ئی خیزش انقلابی اخیر خود مردمند. به بهینه ترین

شکلی با شکستن دیوار فیلترهای اسلامی، مداوماً از قلب تظاهرات و اعتراضات خود به دنیا گزارش مخابره میکنند. الان گزارشگران این خیزش انقلابی خود قیام کنندگان هستند و این به باور من بسیار بسیار مهم است. من نمیدانم از قیام اخیر یونان چند کلیپ در بازار ویدئوهای یوتیوب پیدا میشود، اما تا همین جا در یک مقیاس جهانی، همه مردم دنیا با گزارشات خود قیام کنندگان، از چند و چون پیشروی این اعتراض باخبرند. نیروی اجتماعی مهمی که این امکان را برای این خیزش، فراهم و مقدر کرده است، جوانان مملکت هستند. جوانان ایران دارند ایران را به قرن بیست و یکم می آورند، با افقشان، با قیامشان، با تبحر و هوششان و تکیه شان به مکانیسمهای اطلاع رسانی جهان موجود. به نظر من از این نظر، حتی جنبش انقلابی در خارج کشور و بعضاً چپ در اینجا از داخل جا مانده است. تا اینجا مردم از دشمن جلو زده اند. یک قدم جلوترند. فی المثل بعد از اینکه مردم مسأله کشتن ندا را به یک کمپین جهانی بدل کردند، کیهان شریعتمداری سلانه سلانه از دست حسین بازجو فلمی از اعترافات دریافت کرده و ادعا کرده است که کشتن ندا کار خود تظاهر کنندگان بود! خب ما کاری به نفس این ادعاهای جنایتکارانه تاریخ مصرف گذشته نداریم، مسأله این است که الان این کیهان است که از قیام خورده است. کیهان است که فرسنگها دنبال حوادث میدود و این مردمند که جلوترند و دشمن را وادار به توجیه خود میکنند. خود همین باعث میشود ابتکار عمل دست نیروهای انقلاب باشد. دیوار اختناق و سرکوب نتوانسته است جلو مردم را بگیرد. تنها به فاصله یک ساعت، شاید حتی کمتر، درست زمانی که مردم در خیابان هستند، فیلمها، عکسها و گزارشات روی سایتها قرار میگیرد. با وجودیکه همه جا را بسته و فیلتر کرده اند. با وجودیکه حتی این اواخر صدای شعارها را هم از روی کلیپها حذف کرده اند. کلیپها را بی صدا کرده اند. اما نهضت مقابله با سرکوب ادامه داشته و راههای جدید پیدا میکند. این مکانیسم خودش بهترین و زخیم ترین چتر حفاظت امنیتی روی سر این جنبش انقلابی است. جنبشی که خودش با جامعه و جهان حرف میزند سرکوبش محال است.

خود همین امکان باعث شده است که کار کمونیست کارگری هم راحت باشد. شما تصور کنید که مثلاً انحصار ارسال این گزارشات را به بی بی سی میدادند. به نظر من کار جنبش و رهبران و لیدرهایش در ایران و در خارج بسیار مشکل بود. چگونه میخواستند ادعا کنند که به جای "الله اکبر"، مرگ بر دیکتاتور گفته اند؟ ساخته و پرداخته میکردند و با مهندسی افکار راه پیشروی جنبش را مشکل میکردند. الان که این جنبش خودش با زبان برپادارندگان حرف میزند، معماری و یا فروختن و مصالحه با آن سختتر است. الان ویدئوی تظاهرات میدان انقلاب و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را از شبکه دوم تلویزیون آلمان و سی ان ان هم پخش میکنند. چون تنها منبع خبررسانی آنها نیز خود همان مردم قیام کننده هستند. اگر بخواهند آنها را پخش نکنند، از بقیه خبرگزاریها عقب می مانند. مجبورند پخش کنند. این یک نقطه قوت مهم است، چون در هر حرکت انقلابی، خود ارائه گزارش حقیقی از آن حرکت جزوی از همان مصاف بزرگ است. جزوی از نقش بستن سیمای حقیقی حرکت مردم است. علت اینکه جناب موسوی اصرار داشت رنگ سبز سیدی را به دست مردم بدهد همین نقش زدن به سیمای اعتراض مردم بود. علاوه بر این در دنیای کنونی ما رسانه ها میتوانند یک انقلابی را شکست بدهند، یک کودتایی را برپا و از آن دیگری پرده بردارند. مردم ایران کاری کردند که در مقابل این خیزش انقلابی، در عرصه رسانه ئی نیز، ابتکار عمل دست خودشان باشد. این مهم است. و مردم کاری کردند که غولهای خبری و کارتلهای ژورنالیستی که بعضاً از قدرت سیاسی حاکم در اقصا نقاط جهان بیشتر قدرت دارند، مطیع مبارزه مردم باشند. تا قبل از این مبارزه، غولهای خبری چون سی ان ان محال ممکن بود یک فلم و یا گزارش غیر حرفه ئی و ارسالی از غیر منابع و دفاتر خبری خود را پخش کند. این یک اصل رسانه ئی مهم در غالب کشورهای جهان است. کسانی که در آکادمیهای غرب در رشته رسانه و ارتباطات بین الملل و ژورنالیست تحصیل کرده اند میدانند که شرط حرفه ئی بودن، ارسال گزارش تائید شده از منابع رسمی میباشد. مردم کاری کردند که این خیزش

انقلابی خودش رسمیتزین منبع خبررسانی شده است. این رسانه ها تا کنون محال ممکن بود که مثلا کلیپ بدون آدرسی را از اینترنت و از یوتیوب بگیرند و نشان بدهند، مگر در موارد بسیار نادر. اکنون منبع گزارشات این غولهای خبری، خود همین کلیپهای غیر حرفه ئی جوانان موبیل به دست ماست که یک مشتشان رو به آسمان و در حال شعار دادن و دست دیگرشان مشغول فیلمبرداری است. ورود این عنصر به صحنه سیاست بین الملل و ارائه حضور آن در اتاقهای نشیمن میلیونها نفر در سراسر جهان، افسانه مخوف بودن پیمانهای خشونت طلبانه و سرکوبگر دولتها و رسانه هایشان را در مقابل جهان متمدن شکست. همه ما بیاد داریم که در جنگهای افغانستان، عراق و یا کویت، دولت آمریکا شیر خبررسانی را به روی کل جهان بست و این تصویر بسیار ترسناکی به مردم دنیا میداد. در خود جنگ غزه دولت اسرائیل مبادرت به این کار کرد. مردم ایران اسطوره ناممکن بودن برپائی انقلابات را به خاطر پیمان رسمی رسانه های ارتجاعی علیه مردم در عصر ما شکستند. نشان دادند که تکنولوژی را علیه خودشان به کار میگیرند... و این دولتی بود که همین چندی قبل به ارسال ماهواره امید میباید و تکاپوی علمی "جوانان وطن" را به رخ بقیه میکشید. همان جوانها سیاست سرکوب امنیتی را شکست دادند. ارزشهای جهانی جدید ایجاد کردند. به نظر من یک علت جذابیت کانال جدید، استقبال این کانال از این موج و متکی شدن به تولیدات "رسانه ئی" این نسل از قیام کنندگان میباشد. در این جهاد رسانه ئی که مردم علیه اختناق همه جانبه دشمنان خود کردند کانال جدید نقش بسیار مهمی ایفاء کرد. در مرکز این صحنه بود و به همین خاطر به باور من کانال جدید روی دوش این خیزش انقلابی حمل شد و به لحاظ مکان سیاسی و اجتماعی خود نقل مکان یافت. الان به حق این کانال، از سوی خود مردم کانال انقلاب اسم گرفته است.

۲. خارج کشور در دفاع از خیزش انقلابی مردم یکپارچه به پا خاست!

سنگر مبارزه خارج کشور یک سنگر بسیار مهم در دفاع از مبارزه مردم ایران است. ورود ملیونی مردم در خارج کشور به صحنه مبارزه نه فقط این خیزش انقلابی را تقویت کرد، بل سرنوشت این مبارزه را برای پیروز شدن تقویت کرد. الان اگر حتی فرض محال کنیم که یک سرکوب خونین سوهارتوئی در ایران اتفاق بیفتد، اگر فرض کنیم یک تصفیه خونین در بالای حاکمیت اتفاق بیفتد، یا هر اتفاق دیگری که میشود در باره آن اندیشه کرد، یک نیروی اجتماعی بهترین و بیشترین امکان را دارد که بماند و با هر سناریویی مقابله کند و بر سرنوشت این جنبش تاثیر بگذارد. این نیرو، نیروی ملیونی مردم است و این سنگر خارج کشور است. در باره جنگ ویتنام گفته میشود که آمریکا در ویتنام شکست خورد، آمریکا در بیرون مرزهای ویتنام و توسط افکار عمومی مردم دنیا شکست خورد. این اتفاقی است که میتواند در باره اسلام سیاسی در ایران نیز محقق شود. دقیقا به همین خاطر است که از اپوزیسیون راست تا جریانات دو خردادی، از سفارتهای خود رژیم تا جریانات حاشیه تلاش میکنند روی این "نیرو" تاثیر بگذارند. اما اکنون مسیر این حرکت را در خارج کشور، خیزش انقلابی در ایران تعیین میکند. تلاشهای اولیه برای بردن سمت و سوی این حرکت به طرف دو خردادی کردن آن، سازشکار بودن آن شکست خورده است. کمترین سیاستها به اعتقاد من روی علاقه مندی و اشتیاق موسوی و توده و اکثریت به اسلام پناهی و دخالت دادن مذهب در این تقابل اجتماعی از سوئی و بردن آن به سمت سازش با جناحهای حاکمیت شکست. در خارج کشور ممکن است که نیروهای اکثریت و مزدوران حزب توده و موجب بگیران سفارتهای بتوانند چند ده نفری را برای هاشمی و کربوی و مجمع روحانیون مبارز و ... بسیج کنند. اما میلیونها نفر آوراه و پناهنده سیاسی که از دست این نظام قتل و جنایت گریخته اند محال ممکن است پای این سیاست بیابند. محال ممکن است که میلیونها زن را بشود در خارج کشور لچک سبز و رهنوردی گل گلی به سر کرد. لذا به باور من تلاشهای توده ایها و موجب بگیران سفارت بر سر مذهب و سازش با حاکمیت میشکند. در خود

خارج کشور نیز نه مذهب و علائم مذهبی در این تظاهراتها در میان افکار عمومی میگیرد و نه سازش و بند و بست با جناحهای حاکمیت. مهم این است که بدانیم خود سنگر خارج کشور بزرگترین تضمین امنیتی جنبش در داخل است، بلندگوی این جنبش در خارج است و بیمه پیروزی آتی مردم است. مردم ایران برای حفظ پیروزی خود نیز احتیاج به سنگرهای محکمی دارند. سنگرهائی که جلو تعرضات بعدی به حکومت جوان کارگری در ایران را بگیرد. در قسمت بعدی به ویژگی قیامهای شهری، ایجاد الیت رهبری خیابان و نحوه مقابله مسلح و غیر مسلح مردم با نیروهای سرکوبگر میپردازم.

ادامه دارد